

طلاق و تربص

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امر الله

اصلى فارسی



لوح رقم (76) امر و خلق - جلد 4

۷۶ - طلاق و تربص

و نیز در کتاب اقدس است قوله الاعلی: " إِنَّ اللَّهَ أَحَبُّ الْوَصْلِ وَالْوَفَاقِ وَأَبْغَضُ الْفَصْلِ وَالطَّلَاقِ " " وَ
إِنْ حَدَثَ بَيْنَهُمَا كُدُورَةٌ أَوْ كُرْهُ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُطَلِّقَهَا وَلَهُ أَنْ يَصْبِرَ سَنَةً كَامِلَةً لَعَلَّ تَسْطَعَ بَيْنَهُمَا رَائِحَةُ الْمَحَبَّةِ وَإِنْ
كَلَّتْ وَ مَا فَاحَتْ فَلَا بَأْسَ فِي الطَّلَاقِ إِنَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَكِيمًا " وَ الَّذِي طَلَّقَ لَهُ الْاِخْتِيَارُ فِي الرَّجُوعِ
بَعْدَ انْقِضَاءِ كُلِّ شَهْرٍ بِالْمُودَّةِ وَالرِّضَا مَا لَمْ تَسْتَحْصِنْ وَإِذَا اسْتَحْصَنْتِ تَحَقَّقِ الْفَصْلُ بِوَصْلِ آخِرٍ وَقَضَى الْأَمْرُ إِلَّا
بَعْدَ أَمْرٍ مُبِينٍ " وَ الَّتِي طَلَّقَتْ بِمَا ثَبَتَ عَلَيْهَا مِنْكَ لَا نَفَقَةَ لَهَا أَيَّامَ تَرْبُّصِهَا كَذَلِكَ كَانَ نَيْرُ الْأَمْرِ مِنْ أَفْقِ الْعَدْلِ
مَشْهُودًا "

و در لوحی است قوله الاعلی: " لازال وصل و اتصال لدى الله محبوب و فصل و انفصال مبعوض خذوا ما
احبه الله و امر کم به انه يعلم و یرى و هو الامر الحکیم "

و از حضرت ولی امر الله خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران است قوله العدل: " اما در خصوص کراهت
بین زوج و زوجه از هر طرفی کراهت واقع حکم تربص جاری در این مقام حقوق طرفین مساوی امتیاز و
ترجیحی نه "

و قوله المطاع: " راجع بتأدیه مخارج لازمه در مدت تربص حکمش راجع به بیت عدل اعظم است و مجاله آنچه
را امنای محفل مرکزی قرار دهند محبوب و متبوع و مقبول است "



ORIGINAL

و در رساله سؤال و جواب است: " و دیگر سؤال از طلاق نموده چون حقّ جلّ جلاله طلاق را دوست نداشته در این باب کلمه‌ای نازل نشده ولکن از اوّل فصل الی انتهای سنه واحده باید دو نفس مطلع باشند او ازید و هم شهداء اگر در انتہاء رجوع نشد طلاق ثابت باید حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بیت العدل است در دفتر ثبت نماید ملاحظه این فقره لازم است لثلاً یحزن به افتدۀ اولی الالباب "

و از حضرت عبدالہاء در خطابی باقا نصر اللہ شہمیرزادی است قوله الجلیل: " اما مسألہ طلاق لابد باید باطلاع حکومت یا معرفت ارباب نفوذ باشد و الا محاذیر واقع در ہر صورت نکاح و طلاق باید در تحت مرکزی نافذ جاری گردد تا اگر طرفین اختلال خواهند مقتدر نباشند بلکہ مجبور باطاعت باشند "

و از حضرت ولی امر اللہ خطاب بہ محفل مرکزی ایران است قوله المطاع: " راجع بمسألہ طلاق آنچه در کتاب اقدس و سؤال و جواب مسطور است باید اجراء گردد جزئیات ثانویہ غیر منصوصہ راجع بامنای بیت عدل اعظم است در وقت حاضر ثبت طلاق در سبج محفل و دفتر رسمی دولت بکمال دقت و اختصار لازم و واجب "

و در ابلاغیہ‌ای است: " راجع بورقہ طلاق کہ بضمیمہ تقدیم نموده بودید مورد تصویب حضرتشان واقع شد "

و از حضرت عبدالہاء خطاب بہ بہائیان امریکا است قوله الجلیل: " باری در ایران مسألہ طلاق پیش بنہایت سہولت تحقق می‌یافت در میان ملت قدیمہ متصل بواسطہ امر جزئی طلاق واقع میگردید چون انوار ملکوت تابید نفوسی کہ از روح بہا اللہ زندہ شدند بکلی از طلاق اجتناب نمودند حال در ایران در میان احبباً طلاق واقع نمیگردد مگر آنکہ امر مجبری در میان آید و ایتلاف مستحیل باشد در اینصورت نادراً طلاق واقع گردد حال احببای امریک نیز باید بر این روش و حرکت سلوک نمایند از طلاق نہایت اجتناب داشته باشند مگر آنکہ سبب مجبری در میان آید کہ طرفین از یکدیگر بیزار گردند و باطلاع محفل روحانی قرار بر فصل دهند و یکسال باید صبر و تحمل کنند اگر در ظرف این یکسال ایتلاف حاصل نشد طلاق واقع گردد نہ اینکہ بہ مجرد ادنی تکدر و اغبراری کہ در بین زوج و زوجہ واقع زوج با زن دیگر بفکر الفت افتد و یا نعوذ باللہ زوجہ نیز در فکر زوجی دیگر افتد این مخالف عصمت ملکوتی و عفت حقیقی است احببای الہی باید نوعی سلوک نمایند کہ دیگران حیران مانند زوج و زوجہ باید الفتشان جسمانی محض نباشد بلکہ الفت روحانی و ملکوتی باشد این دو نفس حکم یک نفس دارند و چقدر مشکل است یک نفس از ہم جدا شود اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد البتہ ... بوبال عظیمی گرفتار گردد "

و قوله الجمیل: " فی الحقیقہ انسان باید بوفای قیام نماید و ثبوت و استقامت بنماید علی الخصوص بقربین و ہمنشین خویش و ہمدم و ندیم خود زیرا حقوق در بین ایندو قدیم و محکم و متین و انسان آنچه بکوشد از عہدہ اکمال بر نیاید ولی بقدر امکان قصور نشاید "

و از حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران است قوله الصواب: " امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف رضای الهی است آنچه از قلم حضرت عبدالبهاء در این خصوص نازل بین عموم یاران انتشار دهند و کلّ را پیش از پیش متذکر دارند اجرای حکم طلاق مشروط بتصویب و اجازه امنای محفل روحانی است باید در این قضایا اعضای محفل مستقلاً بکمال دقت تمعن و تجسس و تفحص نمایند اگر چنانچه عذر شرعی موجود و اتحاد و ایتراف بهیچوجه من الوجوه ممکن نه و تنفر شدید و اصلاح و دفع آن محال طلاق و افتراق را تصویب نمایند "

و راجع بآیه جواز رجوع زوج بزوجه مطلقه خود در هر ماه قوله المطاع: " تنفیذ حکم اصطبار و احکام دیگر که منصوص کتاب از فرائض حتمیه بهائیان و تخلف بهیچ وجه جائز نه "

و راجع بازدواج بعد از طلاق قوله المطاع: " اجرای عقد لازم و اعطای مهریه واجب "

و راجع بنفقه در مدّت اصطبار منتهی بطلاق که به میل زوجه صورت گرفته باشد قوله الصریح: " در هر حال نفقه را باید زوج بر حسب حکم کتاب تأدیه نماید "

و در رساله سؤال و جواب است: " سؤال: هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نماید تکلیف ضلع چیست جواب: بعد از انقضای مدّت طلاق حاصل و لکن در ابتداء و انتهای شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند. سؤال: در مدّت اصطبار هر گاه متضوّع شود رائحه حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه میل و در حال کراهت سنه بآخر رسد در اینصورت افتراق حاصل است یا نه جواب: در هر حال کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و باید سنه بآخر رسد

سؤال: در باب طلاق که باید صبر شود یک سنه اگر رائحه رضا و میل بوزد از یکطرف و طرف دیگر نوزد حکم آن چگونه است جواب: حکم برضایت طرفین در کتاب اقدس نازل اگر از هر دو طرف رضایت نباشد اتفاق واقع نه سؤال اگر شخصی در خیال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر بطلاق گردد و ایام تدارک سفر طول کشد تا یک سنه آیا از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سنه صبر نماید جواب اصل حساب از یوم مفارقت است و لکن اگر قبل از مسافرت بیکسال مفارقت نمایند و عرف محبت متضوّع نگردد طلاق واقع و الا از یوم مسافرت حساب نمایند تا انقضای یک سنه بشروطی که در کتاب اقدس نازل شده .

سؤال: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جائز است یا نه جواب: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از قران اگر اراده طلاق نماید جائز است ایام اصطبار لازم نه و لکن اخذ مهر از مرثه جائز نه .

سؤال : اگر در ایام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایام قبل از اقتران از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه سال را از سر گیرد و آیا بعد از طلاق تریص لازم است یا نه جواب : اگر در ایام اصطبار الفت بمیان آید حکم زواج ثابت و باید بحکم کتاب عمل شود و اگر ایام اصطبار منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد تریص لازم نه و اقتران مرء با مرءة در ایام اصطبار حرام است و اگر کسی مرتکب شود باید استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند "

و از حضرت عبدالهاء در خطابی است قوله العزیز : " اما مسأله طلاق میتواند شخص بکلی آنچه موافق رأیش است مجری دارد نهایتش این است که زوجه را یکسال بیسر و سامان نگذارد و این مثل عدّه است و نهایتش این است که پیش مدّت تکلیف نفقه چند ماه بود حال یکسال است و اما اگر جهتین کامل باشند و عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود در فصل تامّ تعجیل نکنند یکسال صبر نمایند شاید آن عوارض زائل گردد و دوباره الفت حاصل شود "